

## گام‌هایی اولیه در شناسایی بحث قومیت



اگرچه با توسعه فعالیت‌های کمونیستی در ایران از سال‌های مقارن با جنگ دوم جهانی به بعد بحث اقوام و یا به اصطلاح رایج آن دوره «ملیت‌ها» نیز در مباحث سیاسی کشور جایی به خود اختصاص داد، ولی بنا به دلایلی چند که در ادامه این یادداشت به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد، این موضوع لااقل در این دوره به یک بحث جدی و اساسی تبدیل نشد؛ سطح نازل دانش سیاسی - و حتی مارکسیستی - لنینیستی - کمونیست‌های ایرانی یکی از این علل بود؛ رساله مهم «درباره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» لنین که در واقع یکی از متون اصلی این فرقه در باب «مسائل ملی» محسوب می‌شود - تا جایی که می‌دانیم - تنها در سال ۱۹۵۲، در مجموعه‌ای از آثار منتخبه لنین به فارسی ترجمه و در مسکو منتشر شد یعنی بعد از افول کامل تحركات کمونیستی در ایران. علاوه بر این، تجربه تلخ حاصل از کاربرد عملی این نظریه در ایران به صورت تلاش نافرجام مسکو در ایجاد دو حکومت خودمختار کرد و آذربایجانی در حوزه تحت تصرف ارتش سرخ در مراحل پایانی جنگ جهانی دوم نیز از دیگر عواملی بود که در تحدید این بحث مؤثر واقع شد. رسوایی حاصل از فراز و فرود فرق دموکرات آذربایجان و کردستان، به ویژه دور نگهداشته شدن

بدنه اصلی چپ ایران (حزب توده) از کم و کیف کار توسط مقامات شوروری، خود کافی بود که گرایش مزبور - جدای از پاره‌ای کلیات مکتبی - تمایل چندانی به این بحث نشان ندهد.

به دنبال سرکوب فعالیت‌های مستقل سیاسی در کشور و پس از آن، رشد تدریجی جمعیت دانشجویی خارج از کشور، کانون اصلی تحركات چپ و کمونیستی به این حوزه منتقل شد. با شکل-گیری نسل جدیدی از نیروهای چپ که بی‌اطلاع از تجارب تاریخی پیشین یکی از ویژگی‌های آن بود مبحث «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» ... نیز همانند دیگر آموزه‌های مارکسیستی - لنینیستی رونق مجددی یافت و در واکنش به این دگرگونی بود که این بحث - احتمالاً - برای نخستین بار و با در نظر داشتن تاریخ و فرهنگ ایران به صورتی جدی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در پاییز ۱۳۴۸/۱۹۶۹ در رساله‌ای تحت عنوان *افسانه خلق‌های ایران* به قلم «م.ماکان» که از سوی انتشارات مزدک در فلورانس منتشر شد سعی شد با استفاده از معیارها و ضوابطی که حتی خود لنین در تبیین زمینه‌های شکل‌گیری یک ملت عنوان کرده بود، دلایل ملت بودن ایرانیان و لهذا ناساز بودن تلاش پاره‌ای از دیگر گروه‌های چپ را برای تقسیم ایرانیان به خلق‌ها و ملیت‌های متفاوت نشان داده شود.

در مراحل بعد در حالی که موضوع حق ملل به همان صورت مألوف مارکسیستی - لنینیستی در انبوهی از جراید و نشریات گروه‌های مخالف چپ در خارج از کشور ادامه داشت کتاب ملیت و انقلاب در ایران اثر جواد صدیق را از معدود مواردی می‌توان دانست که سعی کرد این بحث را به صورتی مستقل مورد توجه قرار دهد. در این کتاب که در آذر ۱۳۵۲ از سوی انتشارات فانوس در ایالات متحده منتشر شد. ضمن پذیرش بی قید و شرط بسیاری از پیش فرض‌های رایج چپ - مانند آن که ایران کشوری «کثیرالمله» است «...زندان ملیت‌های ستمزده‌ای است که اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند» (ص ب)، سعی شده بود که از دیدگاهی تروتسکیستی، وجوه استالینی بحث مورد نقد قرار گیرد؛ نقدی که بیش از آن که به دیدگاه‌های نظری استالین در این زمینه مربوط باشد بیشتر به انتقاد از عملکرد عوامل استالین در ایران - حزب توده - مربوط می‌شد.

سرریز مباحث قومی و «ملی» در ایران عصر انقلاب که در مجموع ماهیتی مارکسیستی - لنینیستی داشت و در کنار آن عملکرد گروه‌های مختلف چپ بر اساس این باورها در حوزه‌های مختلف قومی و زبانی در آن دوره موضوعی است که آن را هنوز بیشتر باید در قالب بررسی جراید و نشریات وقت دنبال کرد. این مقوله نه فقط در آن دوره شکل «کتابی» در خور توجهی نیافت بلکه امروزه نیز فقط مدت زمان کوتاهی است که به تدریج موضوع پاره‌ای از بررسی‌های مستقل قرار گرفته است. از جمله کتاب‌ها *روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی* از علی مرشدی‌زاد، (تهران:

نشر مرکز، ۱۳۸۰) و یا کتاب *مرزها و برادران* از برندا شفر که در سال ۲۰۰۲ در ایالات متحده منتشر شد درباره تاریخچه مباحث قومی در آذربایجان و یا کتاب *تحولات سیاسی کردها در ایران* از فرشته کوهی کمالی که آن نیز اخیراً در ایالات متحده منتشر شده است.

تنها بعد از سال‌های مقارن با واقعه خرداد ۱۳۷۶ بود که با گشایشی نسبی و تدریجی در عرصه مطبوعات، هم فرصت طرح و بحث خواسته‌های قومی فراهم شد و به تبع آن لزوم بررسی و شناسایی این بحث به عنوان یک پدیده سیاسی و فرهنگی.

مجله *تریبون* که در خارج از کشور منتشر می‌شود برای آگاهی از چگونگی شکل‌گیری این پدیده و نوع مباحثی که به تدریج در این زمینه مطرح شدند، یکی از مهم‌ترین ماخذ موجود است. *تریبون* که از اواسط دهه ۱۹۸۰ انتشار آن در سوئد آغاز شد و تا کنون شش شماره آن به لحاظ نگارنده رسیده است. خود را «مجله بررسی مسائل جامعه چند فرهنگی» می‌خواند. این مجموعه اگر چه گرایشی ترک‌گرایانه دارد و لهذا بیشتر به مسائل آذربایجان توجه دارد، ولی در عین حال هر از گاه به سرنوشت و سرگذشت دیگر اقوام ایرانی نیز می‌پردازد. مزیت اصلی و ارزش تحقیقاتی *تریبون* بیشتر در آن است که در هر شماره - که هر دفعه از شماره پیشین قطورتر می‌شود - علاوه بر گردآوردن گزیده‌ای از آثار و بیانیه‌های قوم‌گرایانه منتشر شده در خارج از کشور، گزیده‌ای از آثار و بیانیه‌های مشابه را که در داخل کشور نیز منتشر شده‌اند گردآوری کرده است.



در داخل کشور نیز در کنار طرح خواسته‌های قومی و هویت‌سازی‌هایی که بیشتر جراید محلی و نشریات دانشجویی جریان داشت - (که اهم آنها در مجموعهٔ *تریبون* نیز منعکس می‌شد) - انتشار کتاب‌هایی در این زمینه نیز آغاز شد؛ از جمله کتاب *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان* از دکتر ضیاء‌الدین [صدر] [الاشرفی] (تهران، اندیشهٔ نو، ۱۳۷۷) و *بحران هویت قومی در ایران* از دکتر علی‌الطائی (تهران، نشر شادگان، ۱۳۷۸).

*کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان* که از دیدگاهی ترک‌گرایانه نوشته شده است، دو بحث اساسی را شامل می‌شد، یکی مروری بود بر تاریخ ایران با تأکید بر تنوع و تکتک زبانی و فرهنگی آن از دیر باز تاکنون. و دیگری نیز نقدی بود بر ناسیونالیسم ایرانی؛ نقدی که از بررسی آثار پیشگامانی چون میرزا آقاخان کرمانی شروع می‌شد و با انتقادهایی از تبلور این حرکت در سال‌های نخست دولت رضا شاه به پایان می‌آمد.

*بحران هویت قومی در ایران* که از دیدگاهی عرب‌گرایانه نوشته شده و همانند اثر بیستین مجموعه‌ای از مقالات مختلف است، بیشتر ماهیتی فرهنگی دارد تا سیاسی - تاریخی. بخش مهمی از آن به ارائه تعریفی از هویت و ابعاد مختلف آن اختصاص داشت و بخش بعدی آن به اصل موضوع که عبارت بود از بحران هویت قومی در ایران. در این نوشته نیز تأکید اصلی بر تعدد و تنوع قومی، زبانی، مذهبی ... ایرانیان بود و بحران حاصل از نادیده انگاشته شدن این تنوع در ایران معاصر و امروزی.

با یک چنین تحولاتی، لزوم بررسی و شناسایی، مباحث قومی و قوم‌گرایی، امری نبود که بتوان آن را بیش از این نادیده گرفت. کتاب *قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت* اثر دکتر حمید احمدی (تهران، نشر نی، ۱۳۷۸) پاسخ روشن و به موقعی بود به این نیاز. *قومیت و قوم‌گرایی در ایران* بعد از مروری بر مفهوم قومیت در خاورمیانه و نقدی بر تلاش باره‌ای از پژوهشگران در جهت انطباق مفاهیم و الگوهای غربی بر پس زمینه‌ای متفاوت از غرب، مناسبات تاریخی نظام‌های ایلی و ساختار دولتی را در ایران به عنوان یک ویژگی مهم و قابل توجه مورد بررسی قرار می‌دهد و به دنبال این پیش درآمد در تجزیه و تحلیل سه مورد مشخص بروز گرایش‌های محلی‌گرا در کردستان، بلوچستان و آذربایجان را مدنظر دارد. بخش‌های بعدی کتاب نیز با مروری بر چارچوب نظری مفاهیمی چون قومیت و ناسیونالیسم، با در نظر داشتن نمونه‌های پیش گفته، وجه انطباق این نظریه‌ها را با تجارب ایران، معاصر مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب که اینک به چاپ چهارم رسیده است، جامع‌ترین مآخذ موجود در این زمینه محسوب می‌شود.

همزمان با این تحولات به تدریج حوزه‌های رسمی و نیمه رسمی پژوهشی نیز وارد کار شدند.

یکی از مهمترین این مراکز مؤسسه مطالعات ملی بود که با انتشار فصلنامه‌ای تحت همین عنوان - مطالعات ملی - که شماره نخست آن در پاییز ۱۳۷۸ منتشر شد، رسیدگی به چنین مباحثی را وجه همت خود قرار داد. اگر چه این فصلنامه به تدریج حوزه علائق خود را گسترش داده و مقوله هویت را از منظرهای دیگر نیز دنبال می‌کند ولی شماره‌های نخست آن از لحاظ بحث و بررسی قومیت و قوم‌گرایی در ایران، منبع مهمی به شمار می‌آیند.

کتاب تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها نوشته دکتر مجتبی مقصدی - سردبیر نخست فصلنامه مطالعات ملی - (تهران، مؤسسه مطالعات ملی - ۱۳۸۰) - را نیز باید در ادامه همین تلاش‌ها مورد ارزیابی قرار داد. در این کتاب نیز سعی بر آن بوده که با در نظر گرفتن دو تقسیم‌بندی عمده، بحث تحولات قومی در ایران باز شود؛ یکی ارائه مجموعه‌ای از چارچوب‌های نظری ذریبند از منظر علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ... و دیگری نیز مروری بر تاریخچه بروز تنش‌های محلی - قومی در ایران معاصر. بخش مربوط به تحولات کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و خوزستان آن در سال‌های نخست انقلاب، با توجه سنت معمول در مورد بحث قرار نگرفتن چنین موضوعاتی، بخش مهم و در خور توجهی است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی یکی دیگر از حوزه‌هایی است که در مطالعات و بررسی‌های خود این مقوله را مدنظر دارد، علاوه بر پیش شماره اول فصلنامه *مطالعات راهبردی* که «ویژه قومیت در جمهوری اسلامی ایران» بود - بهار ۱۳۷۷ - پاره‌ای از گزارش‌های منتشر شده این مرکز در سه مجموعه گزارش‌های راهبردی، تحقیقاتی و گفتگوی علمی نیز به این موضوع اختصاص داشته‌اند؛ پاره‌ای از عناوین این گزارش‌ها که در مجموع مقالات کوتاه و مجملی بیش نیستند، عبارتند از «قومیت‌ها در ایران، راهبردها و راهکارها»، «کانون‌های بحران هویت در ایران»، «رقابت سیاسی و نخبگان قومی...»، «مراکز مؤثر در تدوین سیاست قومی کشور»، «روند تدوین سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران»، «ایدئولوژی و سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران»، «قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران»، «ناسیونالیسم قومی و قومیت بلوچ در ایران».

*گزارش هم‌اندیشی اقوام ایرانی و توسعه* که در چارچوب «همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران» تدوین و منتشر شد نیز از جمله بررسی‌های منتشر شده‌ای است که جا دارد در این مقوله بدان اشاره شود. در این همایش که تحت سرپرستی دکتر حسین عظیمی مدیر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به سامان رسید، مجموعه نشست‌هایی نیز با همکاری تعدادی از صاحب‌نظران امر در حوزه مسائل قومی و نقش و تأثیر آن بر توسعه برگزار شد که حاصل آن در قالب بررسی فوق‌الذکر منتشر گردید. *گزارش هم‌اندیشی اقوام ایران و توسعه* نیز همانند پاره‌ای از دیگر بررسی‌های مشابه با ارائه تعریفی از مفهوم قومیت و موقعیت کلی اقوام ایرانی، بحث را باز کرده، سپس در گزارشی از وضعیت کنونی حوزه‌های قومی در ایران به نابرابری‌هایی چون محرومیت اقتصادی، تبعیض مذهبی ... در این حوزه‌ها می‌پردازد. یکی از مزایای اصلی این بررسی که با نگاهی انتقادی و اصلاح‌گرا به وضعیت نامطلوب موجود تدوین شده، ارائه مجموعه‌ای از پیشنهادات مشخص برای کاستن از این نابرابری است.

رساله *هویت قومی و باورهای اجتماعی* از مجموعه «گزارش‌ها و تحلیل یافته‌های» طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را نیز باید در زمره مآخذ جدید این حوزه برشمرد. در این رساله مهم و در خور توجه که حاصل تحلیل مجموعه اطلاعات و داده‌های گردآوری شده در دو پروژه «بیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، از سوی تعدادی از جامعه‌شناسان کشور است مضامینی چون احساس آزادی سیاسی، رضایت از اوضاع اقتصادی - سیاسی، اعتماد نسبت به نهادهای حکومتی و عدالت قومی از منظر گروه‌های قومی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. جمع‌بندی‌هایی کلی از این داده‌ها و یافته‌ها نیز در پایان کار ارائه شده‌اند.

ایران، هویت، ملیت، قومیت مجموعه‌ای از مقالات مختلف که به کوشش دکتر حمید احمدی تدوین گردیده - (تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳) - یکی از آخرین بررسی‌های منتشر شده در این زمینه است. پاره‌ای از مقالات این مجموعه مانند «دین و ملیت در ایران: همبازی یا کشمکش؟» از حمید احمدی، «بحران هویت ملی و قومی در ایران» از احمد اشرف، بررسی جوانبی از ابعاد کلی این مقوله را در نظر دارند و برخی نیز مانند «بلوچستان ایران» در مصاحبه‌ای با دکتر محمود زند مقدم، «نگاهی به یک دهه چالش بر سر هویت آذربایجان» از رجب ایزدی و یا «خوزستان و چالش‌های قوم گرایانه» از سید عبدالامیر نبوی، نوعی بررسی‌های موردی محسوب می‌شوند.

به گونه‌ای که از این نگاه گذرا و احیاناً ناکامل مستفاد می‌گردد، در سال‌های اخیر در مقایسه با ادوار پیشین برای شناسایی و تحلیل مباحث مربوط به قوم‌گرایی، تلاش‌های بیشتری صورت می‌گیرد؛ در کنار اقداماتی چون تشکیل نشست‌های تخصصی در این زمینه - از جمله همایش «هویت ملی، بررسی نقش اقوام» در خرداد ۱۳۸۳ که باید امیدوار بود مقالات ارائه شده در آن نیز به صورتی مستقل منتشر گردد - به گونه‌ای که ملاحظه شد کتاب‌هایی نیز در این زمینه منتشر شده‌اند ولی این واقعیت را نیز باید در نظر گرفت که تعداد آثار و بررسی‌هایی که بدین موضوع اختصاص یافته‌اند در قیاس با اهمیت بحث، رقم درخور توجهی نیست و تلاش بیشتری را می‌طلبد.